

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت آموزش قوه قضائیه

رسیدگی به درخواست گواهی انحصار وراثت و آشنایی اجمالی با مباحث ارث

کام به کام با شورای حل اختلاف (۲۹)

اداره کل آموزش کارکنان اداری قوه قضائیه

اداره آموزش شورای حل اختلاف

۱۳۸۷

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: رسیدگی به درخواست گواهی انحصار وراثت و آشنایی اجمالی با مباحث ارث

محقق: مهدی خالصی

کارشناسی و تنظیم: معصومه حاجی صادقلو

نظارت: ابوالفضل نیکوکار

تایپ: الهام امیرنیا

صفحه آرایی: سمیه شاگردی

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: درخواست گواهی انحصار وراثت	۴
مبحث اول: تعریف گواهی حصر وراثت	۴
الف: مرجع صلاحیتدار جهت صدور گواهی انحصار وراثت.....	۴
ب: اشخاص ذینفع جهت صدور گواهی انحصار وراثت.....	۶
ج: مدارک لازم جهت تقاضای تصدیق انحصار وراثت.....	۶
د: اقدامات شورای حل اختلاف پس از وصول درخواست	۷
مبحث دوم: اعتراض به درخواست حصر وراثت	۹
الف: اشخاصی که حق اعتراض به درخواست حصر وراثت دارند.....	۹
ب: چگونگی رسیدگی به دعوی اعتراض به درخواست حصر وراثت	۱۰
ج: اعتراض به گواهی انحصار وراثت	۱۱
د: ارائه وصیت نامه به دادگاه	۱۱
مبحث سوم: مقررات کیفری راجع به گواهی انحصار وراثت	۱۳
فصل دوم: مباحث ارث.....	۱۵
مبحث اول: تعریف قانونی ارث و موجبات آن	۱۵
مبحث دوم: شرایط و ارکان تحقق ارث	۱۶
مبحث سوم: موانع ارث.....	۱۷
مبحث چهارم: حجب در ارث.....	۱۸
مبحث پنجم: میراث زوج و زوجه	۱۸
مبحث ششم: ارث فرض بر و صاحبان فرض و قرابت و افراد خنثی	۱۹
مبحث هفتم: سهم الارث طبقات اول و دوم و سوم وراث متوفی	۲۱
ضمائم	۲۲



- ۱- جدول طبقات ارث ۲۲
- ۲- بخشی از مواد قانون امور حسبی راجع به وصیت و حصر وراثت ۳۰
- ۳- موادی از قانون مدنی: مبحث وصیت و ارث ۳۷
- ۴- نمونه‌ای از گواهی انحصار وراثت شورای حل اختلاف ۵۵
- منابع ۵۶

انسان هرچقدر طولانی در صحنه عالم زندگانی کند و به هر اندازه‌ای که برای بقای خود روی زمین امیدوار باشد عاقبت باید با دنیای فانی وداع نماید. اگر انسان هم که حیوان ناطق است مثل حیوانات دیگر می‌بود، یعنی در مدت عمر خود نه تحصیل مال می‌کرد و نه دارای حق مالی می‌شد موت او نیز از نقطه نظر حقوقی تولید اشکال نمی‌کرد، لیکن غالباً انسان‌ها پس از فوت خود اموال و حقوق مالی به جا می‌گذارند. مسئله ارث که اکثر علمای حقوق را به خود مشغول نموده و هریک به ترتیبی آن را مرتب کرده است، عبارت از دانستن این که دارایی و حقوق شخص باید بعد از فوت او به چه کسی برسد، آیا ماترک او باید به اشخاصی منتقل شود که قانون معین می‌کند و یا به کسانی که خود او انتخاب می‌نماید؟

بدیهی است که هر کس در دنیا به یک عده از اشخاص علقه تامی دارد و مایل است که بعد از فوت او اگر اموال و حقوقی دارد به همان اشخاص منتقل شود. کسانی که در درجه اول و بیشتر از دیگران طرف علقه و محبت یک نفر واقع می‌شوند کسانی هستند که آن یک نفر باعث وجود آنها شده و یا آنها باعث وجود او شده‌اند این اشخاص عبارتند از اولاد و ابوین انسان، پس اولاد و ابوین کسانی خواهند بود که به حکم طبیعت بعد از فوت یک نفر باید در درجه اول قائم مقام او شده و دارایی او را قهراً تملک کنند.

هرگاه یک نفر نه اولاد داشته باشد و نه ابوین، بدیهی است که علقه و محبت او بیشتر به اجداد او که در این صورت به منزله ابوین می‌باشند و همچنین به برادر و خواهر او متوجه خواهد بود. به همین طریق به هر درجه‌ای که شخص از داشتن ارحامی که به واسطه اقریبیت اولویت دارند محروم باشد علقه و محبت او متوجه اقریبی دورتر او می‌گردد. پس به حکم طبیعت، طبقات مختلفی است که در میان اقریبی نسبی باید بعد از فوت یک نفر وارث او گردند معلوم و معین است.

اقربای نسبی کسانی هستند که یا به جهت ولادت از هم، متصل به یکدیگر می‌شوند مثل پدر و فرزند - و یا به واسطه ولادت از شخص واحد یعنی داشتن جامع نسب - مثل دو برادر، ولی انسان اعم از این که خویشاوند نسبی داشته و یا نداشته باشد و اعم از این که خویشاوندانش با او نزدیک یا دور باشند ممکن است تأهل کرده و در حقیقت برای زندگی خود شریکی نیز اختیار نموده باشد که در این صورت علقه زوجیت نیز ایجاد محبتی می‌نماید که کمتر از محبت اقربای نسبی نخواهد بود. پس زوج یا زوجه نیز از جمله کسانی خواهند بود که خواه برای میت اقربای نسبی باشد و خواه نباشد، باید از ترکه او حصه ببرند. نظر به مراتب فوق کسانی که باید از فوت یک نفر دارایی او را تملک نمایند طبیعتاً معلوم است و قانونگذاران نیز همین حکم طبیعت را تعقیب و تایید نموده و طبقات مختلف وارثین شخص را با ملاحظه علقه و محبتی که بین یک نفر و اقربای او موجود می‌باشد معین کرده‌اند این قانون طبیعی که قانون تشریحی نیز منطبق با آنست بقدری موافق با ناموس بشر و نظام جماعت انسانی است بطوریکه قوانین و مقررات موضوعه اجازه انصراف از آن را نداده‌اند و بنابراین هیچ کس نمی‌تواند کسی را که حق وراثت ندارد وارث قرار دهد یا کسی را که قانوناً وارث است از سهم الارث خود محروم کند، لیکن نظر به این که انسان آمال و آرزوهایی دارد که می‌خواهد بعد از فوت خود نیز انجام یابد و یا به کسانی علقه و محبت دارد که شاید قانون اصلاً به آنها حق وراثت نداده و یا دیگران را مانع وراثت آنها قرارداده است، حال آن که خود شخص مایل است که حصه‌ای از دارایی خود را به آنها تملیک کند، به همین جهت قانون نیز از این قبیل احتمالات حُسن استقبال کرده و علاوه بر حق تملیک مجانی که به اشخاص در زمان حیات آنها تجویز نموده همچنین به آنان اجازه داده است که برای بعد از فوت خود ثلث ماترک خویش را به هر کس که بخواهد به موجب وصیت تملیک کند.^۱

^۱ عدل، مصطفی؛ به کوشش محمدرضا بندرچی، حقوق مدنی، چاپ اول ۱۳۷۳ - انتشارات بحرالعلوم صفحه ۴۲۳



رسیدگی به درخواست گواهی انحصار وراثت و آشنایی اجمالی با مباحث ارث

در همین راستا کتابچه آموزشی حاضر از مجموعه آموزش گام به گام با شورای حل اختلاف، فصل اول را اختصاص به اولین اقدام وراثت برای اثبات هویت و ارتباط خود با مورث داده و درخواست گواهی انحصار وراثت و چگونگی صدور آن و موارد اعتراض به گواهی مزبور را تشریح نموده است؛ فصل دوم با عنوان آشنایی اجمالی با مباحث ارث از این باب که در گواهی مذکور سهم الارث وراثت می‌بایست مشخصاً تعیین گردد، تبیین و تدوین شده است، هرچند فراگیران عزیز را بی‌نیاز از مراجعه به کتب جامع و کاملتر نمی‌نماید که امیدواریم مفید واقع شود.

اداره کل آموزش کارکنان اداری قوه قضائیه



فصل اول: درخواست گواهی انحصار وراثت^۱

مبحث اول: تعریف گواهی حصر وراثت

قانونگذار در قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب مهرماه ۱۳۰۹ و نیز در قانون امور حسبی تعریفی از گواهی انحصار وراثت یا تصدیق حصر وراثت نکرده است لیکن با نگرش به مقررات قوانین مذکور چنین برداشت می‌شود که مقصود از گواهی انحصار وراثت عبارت است از؛ صدور تصدیقی بر محصور بودن وراثت متوفی به عدد و اشخاص معین و تعیین سهم هر یک از ورثه از ماترک به جای مانده از متوفی به نحو مشترک برای وراثت است، در رسیدگی به درخواست گواهی مزبور در مقررات موضوعه کشور دو قانون حاکم است، اول؛ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹ و دوم؛ قانون امورحسبی مصوب ۱۳۱۹ و اصلاحات بعدی که به نظر میرسد مواد مربوط به قانون انحصار وراثت در هر مورد که با قانون موخر التصویب یعنی قانون امور حسبی تضاد و مغایرت نداشته باشد آن مقررات از قانون مقدم التصویب نیز دارای اعتبار و منشأ آثار قانونی مترتبه بر آن می‌باشد، بدین ترتیب در ۱۴ ماده، قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹ در چگونگی صدور گواهی انحصار وراثت تصویب گردیده و سپس قانونگذار به لحاظ اشکالات عملی که در جریان قانون قدیم پیش رو داشته فصلی در قانون امورحسبی در ۱۵ ماده تحت عنوان فصل دهم در تصدیق انحصار وراثت تصویب نموده است.

الف: مرجع صلاحیتدار جهت صدور گواهی انحصار وراثت

مرجع صالح برای قبول درخواست گواهی انحصار وراثت وراثت متوفی، دادگاه‌های عمومی حقوقی محل اقامت دائمی متوفی (مرد) و متوفات (زن) می‌بودند و چنانچه اقامتگاه دائمی متوفی خارج از کشور ایران باشد، دادگاه‌های عمومی حقوقی تهران

^۱ فصل بندی مباحث و تقسیم بندی مطالب موضوع کتابچه برگرفته از جزوه درس امور حسبی از تقریرات استاد قاسم زاده از انتشارات وزارت دادگستری است.



صالح برای رسیدگی و صدور گواهی انحصار وراثت اعلام شده‌اند، همچنین در موردی که تبعه خارجی در ایران اقامتگاه داشته باشد و فوت کند در اینصورت دادگاه محل اقامت متوفی با رعایت قوانین دولت متبوع خارجی صالح به رسیدگی است، لازم به ذکر اینکه در مسیر تحولات قانونگذاری کشور دو ماده واحده قانونی راجع به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه و نیز ایرانیان زرتشتی و کلیمی و مسیحی به ترتیب به موجب ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰ و نیز ماده واحده قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان مذکور مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مسائل مربوط به ارث و نکاح و طلاق و وصیت و امور مربوط به فرزند خواندگی، دادگاهها در مقام رسیدگی به موارد مذکور ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان می‌باشند، جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی و بنابراین احکام خود را باید بر طبق موازین مذهبی ایشان صادر نمایند، لیکن در حال حاضر چون صدور گواهی انحصار وراثت غالباً در زمره دعاوی و مرافعاتی که لزوماً مخاطب و یا مخالف در برداشته باشد نبوده و از پیچیدگی‌های قضایی برخوردار نمی‌باشد، به همین منظور اراده تقنینی قانونگذار بر این مهم تعلق گرفته است که به هدف کاهش مراجعات مردم به محاکم دادگستری در اجرای قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب هجدهم تیرماه ۱۳۸۷ وفق بند ۳ ماده ۱۱ این قانون قاضی شورای حل اختلاف را مجاز نموده با مشورت اعضاء شورا نسبت به درخواست صدور گواهی حصر وراثت رسیدگی و مبادرت به صدور رأی مقتضی نماید، بنابراین با وضع و تصویب قانون اخیرالذکر مرجع صلاحیتدار جهت درخواست و صدور گواهی انحصار وراثت، شورای حل اختلاف محل اقامت دائمی هر یک از متوفای مرد یا زن می‌باشد.

ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف می‌گوید: «قاضی شورا در موارد زیر با

مشورت اعضاء شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.»

۱- دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون ریال و در شهر تا پنجاه میلیون ریال.



- ۲- کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستاجر به جز دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسبه و پیشه.
- ۳- صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.
- ۴- ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ب: اشخاص ذینفع جهت صدور گواهی انحصار وراثت

هرکسی که در اموال و ماترک به جای مانده از متوفی ذینفع باشد می‌تواند از شورای حل اختلاف درخواست انحصار وراثت کند مانند، ورثه، طلب کار و یا موصی له یعنی کسی که مؤرث به نفع او وصیت تملیکی نموده است و یا وصی یعنی کسی که اجرای وصایای موصی را بر عهده گرفته است، همچنین کسی که غیرمستقیم از اثبات وراثت شخصی از دیگری منتفع می‌گردد، حق درخواست گواهی انحصار وراثت متوفی را دارد، مانند شخصی که سهم الارث بعضی از ورثه به او انتقال یافته است.

ج: مدارک لازم جهت تقاضای تصدیق انحصار وراثت

متقاضی گواهی انحصار وراثت باید هنگام تقاضا از شورای حل اختلاف مدارک زیر را تنظیم و به دفتر شورا تسلیم نماید:

- ۱- درخواست نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه وی و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وراث.
- ۲- گواهی فوت متوفی صادره از اداره ثبت احوال محل اقامت دائمی متوفی.
- ۳- گواهی مالیات بر ارث از اداره امور اقتصادی و دارائی، این گواهی پس از محاسبه مالیات بر ارث متعاقب اعلام اموال منقول و غیرمنقول متوفی و دیون رسمی وی، توسط ورثه گواهی مربوطه صادر و تحویل می‌گردد. لازم به ذکر است که وراثت یا نماینده آنها پس از تسلیم اظهارنامه ریز اموال متوفی به اداره امور مالیاتی آخرین اقامتگاه قانونی متوفی و یا اگر متوفی مقیم ایران نبوده، اداره امور مالیاتی مربوط در



تهران ظرف یک هفته با درخواست وراثت گواهینامه مصدق ریز ماترک را که در اظهارنامه نوشته شده صادر و به مودی تسلیم می‌نماید.^۱

۴- فتوکپی شناسنامه تمامی ورثه

۵- استشهادیه ای که دلالت بر منحصر بودن وارث یا ورثه دارد

۶- تصویر عقدنامه همسر دائمی متوفی

۷- نظریه مراجع مذهبی زرتشتی یا کلیمی یا مسیحی درباره تقسیم ارث

د: اقدامات شورای حل اختلاف پس از وصول درخواست

با اعلام وصول درخواست گواهی انحصار وراثت، شورا دلایل ابرازی متقاضی را بررسی می‌کند:

۱- چنانچه دارایی متوفی، حسب گواهی مالیات بر ارث کمتر از سی میلیون ریال (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) باشد، در این صورت گواهی حصر وراثت در جلسه فوق العاده و بدون انتشار آگهی صادر خواهد شد.

۲- در صورتیکه دارایی متوفی، حسب گواهی مالیات بر ارث، بیشتر از سی میلیون ریال (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) باشد و متوفی نیز در شهر فوت نموده و آخرین اقامتگاه وی شهر باشد به دستور ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی (اصلاحی سال ۱۳۴۷) **شورای حل اختلاف**، درخواست متقاضی را یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار و یا روزنامه محلی آگهی می‌نماید، در آگهی مزبور می‌بایست تعداد وراثت و نسبت آنان با متوفی و تاریخ و محل فوت او و اینکه هرکس وصیت نامه از متوفی در اختیار دارد در ظرف مدت یک ماه به شورا ارائه نماید و چنانچه پس از مهلت مذکور، هر وصیت نامه‌ای به استثناء رسمی یا سری ابراز شود، فاقد درجه اعتبار خواهد بود، تصریح گردد، متعاقباً طبق ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی، پس از انقضاء یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتیکه معترض

^۱. ماده ۳۱ اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ از قانون مالیات‌های مستقیم؛ اشعار داشته: «رسیدگی به تقاضای حصر وراثت در دادگاه ها موکول به ارائه گواهینامه مذکور در این ماده خواهد بود و مدیران دفتر دادگاههای صادر کننده تصدیق حصر وراثت موظفند رونوشت گواهی شده آن را ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور به اداره امور مالیاتی محل بفرستند.»

شناسائی و معرفی نشود، **شورای حل اختلاف** کننده در جلسه‌ای فوق العاده، گواهی مقتضی مبنی بر **وراثت وراثت نسبت به مورث متوفی و تعیین عده وراثت و انتساب ایشان با متوفی و همچنین سهم شرعی که از ماترک به نحو اشاعه و مشترکاً** استیفاء می‌نمایند را مشخصاً معین نموده و صادر خواهند کرد.

۳- در فرضی که دارایی و اموال متوفی بنا به اعلام گواهی مالیاتی اداره اموراتصادی و دارائی مازاد از سی میلیون ریال و آخرین اقامتگاه متوفی نیز در روستا باشد، به جای انتشار آگهی در روزنامه کثیر الانتشار، آگهی مزبور در نشریات محلی یا اعلام عمومی موضوع **ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی** صورت می‌پذیرد، بدین ترتیب که با نظارت دهداری و توسط ضابطین انتظامی برای یکبار و در یک روز معین در معابر و اماکن عمومی روستای آخرین محل سکونت متوفی الصاق می‌شود، و مبدا محاسبه یکماه از زمان الصاق، است که پس از انقضای یکماه از تاریخ الصاق، **شورای حل اختلاف** درخواست مزبور را بررسی و تصمیم مقتضی مبنی بر صدور گواهی حصر وراثت اتخاذ می‌نماید، قابل ذکر است که مادام که مدت مقرر یکماهه در بندهای ۲ و ۳ فوق الذکر سپری نگردد گواهی موضوع درخواست صادر نمی‌شود و هرگاه دلایل ابرازی برای درخواست گواهی حصر وراثت اثبات کننده وراثت ورثه نسبت به متوفی یا ذینفع بودن متقاضی را در ماترک متوفی مدلل و ثابت نماید به شرح نمونه زیر اتخاذ تصمیم می‌گردد:

تصمیم شورا

در خصوص خواسته آقای / خانم..... مشعر بر تقاضای صدور گواهی انحصار وراثت، با عنایت به اینکه متقاضی دلیل مثبت‌ای که دلالت بر انتسابش به متوفی و یا ذینفع در ماترک وی باشد ارائه و ابراز ننموده فلذا درخواست وی بلا دلیل و فاقد وجاهت قانونی تلقی و غیر ثابت تشخیص و مستنداً به ماده ۱۹۷ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به رد آن صادر و اعلام می‌دارد این رای ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم عمومی حوزه قضایی..... می‌باشد.

نام و امضاء قاضی شورا



مبحث دوم: اعتراض به درخواست حصر وراثت

با وصول درخواست حصر وراثت به شورای حل اختلاف، این امکان وجود دارد که اشخاص ذینفع به جهاتی از جمله، تعداد وراث باقیمانده از متوفی یا اعتراض به نَسَب آنها نسبت به متوفی یا به زوجیت همسر مورد ادعای ذکر شده در درخواست و یا اصل نکاح و یا طلاق وی یا وقوع اختلاف در وصیت نامه ابرازی مطرح گردد.

در این صورت **شورای حل اختلاف**، وقت رسیدگی تعیین و با تشکیل جلسه و دعوت از طرفین صرفاً نسبت به اعتراض به تعداد ورثه رسیدگی‌های مقتضی را معمول نموده و نسبت به اعتراض واصله در این باره نفیاً یا اثباتاً اتخاذ تصمیم می‌نماید و نسبت به سایر موارد اعتراض چون رسیدگی به آنها از خصایص ذاتی دادگاههای عمومی اختصاص یافته به امور خانواده می‌باشد با صدور قرار اناطه موقتاً پرونده از جریان رسیدگی خارج شده و **شورا** معترض را هدایت و ارشاد قانونی نموده تا در صورت بقاء در اعتراض خود به دادگاه‌های موصوف مراجعه نماید، بدیهی است دادگاه عمومی خانواده با تقدیم دادخواست معترض، درباره هر یک از جهات مورد نظر خواهان، رسیدگی و حکم مقتضی درباره اختلاف طرفین صادر و نسبت به صدور گواهی انحصار وراثت، متقاضی را به مرجع صالح (**شورای حل اختلاف**) هدایت قانونی می‌نماید و این بار با طرح درخواست انحصار وراثت و عدم اعتراض نسبت به موارد فوق الذکر گواهی مزبور طبق مقررات مربوط به **حصر وراثت** صادر خواهد شد.

الف؛ اشخاصی که حق اعتراض به درخواست حصر وراثت دارند

۱- **شخص ذینفع** بر طبق مواد ۳۶۹ و ۳۶۲ **قانون امور حسبی** می‌تواند در مقام اعتراض به گواهی تصدیق انحصار وراثت مبادرت ورزد، ماده ۳۶۹ قانون امورحسبی در این باره می‌گوید: در مورد ماده ۳۶۴ (منظور گواهی حصر وراثت) اشخاص ذینفع می‌توانند به درخواست تصدیق و همچنین به تصدیقی که در موضوع وراثت صادر می‌شود، اعتراض نمایند و رای دادگاه در این خصوص قابل پژوهش و فرجام است، بدین ترتیب در اجرای ماده ۳۶۲ همان قانون، در صورت وصول اعتراض

از ناحیه معترض ذینفع، شورای حل اختلاف جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده، و به معترض و درخواست کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد، این حکم برابر مقررات قابل تجدیدنظر است.

۲- دادستان عمومی محل اقامتگاه متوفی

دادستان عمومی در هر زمان که مطلع شود و احراز نماید متوفی بلاوارث است و درخواست متقاضی انحصار وراثت فاقد مبنای قانونی است قانوناً مکلف است در مقام اعتراض به درخواست مزبور برآید و از صدور گواهی حصر وراثت، به نفع متقاضی خودداری بعمل آورد، همچنین تا زمانیکه برای شخص محجور، قیم و برای غایب امین معین نشده باشد، دادستان می‌تواند از جانب محجور و غایب به درخواست انحصار وراثت اعتراض کند، در صورتیکه اعتراض دادستان به جهتی از جهات قانونی مردود اعلام گردد، مشارالیه بعنوان مدعی العموم حق دارد قانوناً از رأی به رد اعتراض وی از مرجع صالح تجدیدنظر خواهی نماید.

ب: چگونگی رسیدگی به دعوی اعتراض به درخواست حصر وراثت

با اطلاع یافتن شخص یا اشخاص ذینفع و یا دادستان عمومی محل اقامتگاه متوفی از طرح درخواست گواهی انحصار وراثت از جانب ورثه مدعی وراثت از متوفی، اعتراضشان مطابق اصول و مقررات مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، بدین ترتیب که از معترض، بعنوان مدعی، دلایل و مدارک اعتراض وی خواسته می‌شود و می‌بایست جهت یا جهات اعتراض خود را که به درخواست حصر وراثت متقاضی دارند، به روشنی مطرح نمایند، بعنوان مثال، ممکن است دادستان با شناختی که از مرحوم متوفی دارد مطمئن است که متوفی فاقد هرگونه وارث می‌باشد و متقاضی انحصار وراثت نیز هیچگونه دلیل و مدرک مثبتی ای که دلالت بر وراثت و یا انتساب نسبی یا سببی‌اش بعنوان موجب قرابت با متوفی باشد ارائه نکرده باشد، و یا اینکه مفاد اعتراض شخص ذینفع این باشد که تمامی ماترک به جای مانده از متوفی با مدارک و مستندات محکمه پسندی که در اختیار دارد حتی تکاپوی دیون و بدهی‌های مسلم و ممتاز متوفی را



ندارد، تا چه رسد به اینکه متقاضی بخواهد بعنوان میراث، آنها را تصاحب نماید، بنابراین ضرورت دارد موارد اعتراض کاملاً مشخص و مورد بررسی قرار گرفته و به اثبات برسد، آنگاه **شورای حل اختلاف** در خصوص اعتراض مطروحه حکم مقتضی را حسب مورد در پذیرش وراثت متقاضی و یا استحقاق وی نسبت به ماترک، نفیاً یا اثباتاً صادر می‌دارد و در هر حال حکم صادره قابل اعتراض در مرجع تجدیدنظر می‌باشد و رأی مرجع تجدیدنظر در غیر از موارد خلاف بین شرع و یا قانون، قطعی خواهد بود.

ج؛ اعتراض به گواهی انحصار وراثت

چنانچه در مرحله درخواست گواهی حصر وراثت، اعتراضی واصل نشود، لیکن پس از صدور گواهی یا تصدیق انحصار وراثت، ممکن است، **فرد یا افرادی** که از گواهی حصر وراثت **متضرر** می‌شوند در مقام اعتراض به گواهی صادره برآیند، این اعتراض گاهی درباره عدم ذکر نام یکی از وراث است که می‌تواند با اسناد و مدارک مسلم الصدور وراثت خویش را نسبت به متوفی به اثبات برساند و یا **احدی از ورثه یا ذینفع** استحقاق خود را نسبت به میزان سهم الارث تعیین شده در گواهی صادره اعتراض داشته باشد و یا **دادستان** در اجرای مقررات مواد **۳۶۷ و ۳۶۸ از قانون امور حسبی** قانوناً ملزم به طرح اعتراض در مقام مدعی العموم به گواهی حصر وراثت صادره می‌باشد، بدیهی است نحوه رسیدگی به اعتراض به گواهی مزبور عیناً به مانند چگونگی رسیدگی به اعتراض به درخواست گواهی انحصار وراثت می‌باشد. به موجب ماده **۴۴ قانون امور حسبی** کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود **مضر** بدانند، می‌توانند به آن اعتراض کنند، خواه از دادگاه نخست صادر شده باشد یا از دادگاه پژوهش (تجدیدنظر).

د: ارائه وصیت نامه به شورای حل اختلاف

نظر به اینکه هر شخص متوفی شرعاً و قانوناً حق دارد حتی برای بعد از وفات خودش دستورات و درخواست ها و یا به قول معروف وصایایی، را اعم از وصیت‌های عهده‌ی یا تملیکی به نفع فرد یا افرادی که مورد علاقه‌اش می‌باشد تعیین نماید و یا

کسی را بعنوان وصی خود معرفی کند، در آگهی‌های حصر وراثت از مطلعین درخواست می‌شود هرکس وصیت نامه ای از متوفی اعم از رسمی و یا سری و یا عادی (خود نوشت به خط و امضاء موصی متوفی) دارد در جریان رسیدگی به درخواست گواهی انحصار وراثت جهت ملاحظه **شورای حل اختلاف و یا متقاضی درخواست و سایر افراد ذینفع** ارائه دهد و **شورا** گواهی انحصار وراثت را با رعایت مفاد وصیت نامه ابرازی صادر می‌کند، در صورتیکه در خصوص موجودیت وصیت و صحت و سقم آن و یا انتساب آن به مرحوم موصی، اختلافی در بین ورثه یا موصی له و یا وصی حادث شود، بدو باید اختلاف حاصله در مرجع صالح مرتفع گردد و پس از صدور حکم قطعی نسبت به وصیت نامه و تنفیذ قضایی آن اقدام به صدور گواهی حصر وراثت با در نظرگرفتن **وصایای تملیکی موصی** و تعیین تکلیف وصایایی که احتمالاً برای ثلث اموال خود نموده است، خواهد شد و در متن گواهی انحصار وراثت صادره عیناً وصایای تملیکی موصی و وصیت وی نسبت به ثلث اموال به جای مانده از او که موثر در وضعیت ورثه و ماترک می‌باشد با تعیین سهم هر یک از وراث نسبت به ماترک متوفی درج می‌گردد، لازم به ذکر است تفصیل تعاریف قانونی و شرعی **وصیت** و انواع آن اعم از **تملیکی** یا **عهدی** و شرایط صحت وصیت موصی و چگونگی قبول وصیت از ناحیه وصی که عهده دار دستورات و وصایای موصی می‌گردد و اختیار موصی فقط برای ثلث اموال خود پس از فوت در قسمت چهارم قانون مدنی از مواد **۸۲۵ تا ۸۶۰** آن قانون درج گردیده که در ضمایم این کتابچه موجود است، همچنین تشریفات شناسائی انواع وصیت نامه اعم از **رسمی و سری و عادی** که بصورت خودنوشت به خط و امضاء خود **موصی** است و ترتیبات رسیدگی به وصیت نامه از منظر امور حسبی و نحوه رسیدگی به وصیت نامه ابرازی در جریان صدورگواهی حصر وراثت به شرح **مواد ۲۷۶ لغایت ۲۹۹ از قانون امور حسبی** منعکس گردیده که جهت مزید اطلاع در ضمایم این کتابچه مضبوط است. اجمالاً متعاقب قید مراتب وجود وصیت نامه احتمالی در آگهی حصر وراثت بدین مضمون که هرکس وصیت نامه ای از متوفی نزد اوست در مهلت



قانونی در آگهی می‌بایست ارائه نماید، پس از وصول وصیت نامه، **شورای حل اختلاف** وقتی را برای افتتاح وصیت نامه ابرازی تعیین و به اشخاصی که وراثت آنان نسبت به متوفی معلوم است اطلاع می‌دهد در وقت معین حاضر شوند و در جلسه رسیدگی به وصیت نامه با حضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر شورا صورتمجلس درباره خلاصه وصیت نامه و اینکه وصیت نامه در حضور او باز شده و دیگر خصوصیات وصیت نامه از قبیل اینکه مهر و موم داشته یا خیر تنظیم و به امضاء حاضرین در جلسه می‌رسد و چنانچه وصیت نامه سرّی باشد، **شورای حل اختلاف**، با حضور اشخاصی که لفاف (جلد، پوشه) آن را مهر و موم و امضاء کرده‌اند و در تاریخ بازکردن وصیت نامه زنده و در مقر **شورای حل اختلاف** حاضر باشند مفتوح می‌نماید و پس از گشایش وصیت نامه، **شورا** به اشخاصی که وصیت به نفع آنان می‌باشد و یا فرد یا افرادی که وصی معین شده‌اند، موارد را به اطلاع رسانیده و هرگاه اختلافی در وصیت نامه نباشد گواهی انحصار وراثت با رعایت مفاد وصیت نامه، صادر می‌گردد، **نمونه‌ای از گواهی حصر وراثت** در ضمیمه این کتابچه درج گردیده است.

مبحث سوم؛ مقررات کیفری راجع به گواهی انحصار وراثت

در قوانین موضوعه به لحاظ اهمیت عدم صدور گواهی‌های تصدیق انحصار وراثت کذب و خلاف واقع، قانونگذار به ترتیب مقرر در **مواد ۹ و ۱۰ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹**، **عقوبت جزائی** ناشی از اقدامات مجرمانه در جریان تحصیل گواهی‌های حصر وراثت غیرقانونی و بر خلاف حقیقت را اینچنین بیان نموده است:

ماده ۹ قانون تصدیق وراثت: «هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده یا با علم به وجود وارثی غیر از خود،



تحصیل تصدیق بر خلاف حقیقت کرده است^۱ **کلاهبردار** محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰ قانون تصدیق وراثت: « هر شاهی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت، بر خلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد.»^۲

^۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مجازات کلاهبرداری ماده ۱ را یک تا سه سال حبس و رد مال ناشی از کلاهبرداری به شاکی و به همان میزان جزای نقدی در حق صندوق دولت تعیین نموده است.

^۲ ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی برای ادای شهادت کذب مجازات حبس از ۳ ماه و یک روز لغایت دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی تعیین شده است.



فصل دوم: مباحث ارث

با عنایت به اینکه در جریان صدور گواهی انحصار وراثت پس از معین شدن تعداد ورثه زنده حین الفوت مورث متوفی که اسامی آنان به ترتیب نام و نام خانوادگی و نسبت آنها با متوفی و تاریخ تولدشان درج می‌گردد، لازم است میزان سهم الارث هر یک از وراث از ماترک نیز عنوان گردد به همین منظور آشنایی اجمالی به مباحث ارث انسان مسلمان ضروری می‌نماید که به شرح زیر تبیین می‌گردد:

مبحث اول؛ تعریف قانونی ارث و موجبات آن^۱

۱- **تعریف ارث؛** مستفاد از مواد ۸۶۱ و ۸۹۷ قانون مدنی، مفهوم ارث، عبارتند از تصاحب غیرارادی، دارایی و اموال مورث متوفی، برای بازماندگان زنده حین الفوت وی به عبارت دیگر انتقال مالکیت به وراث، بطور قهری به شرطی که موانع ارث در آنها نباشد تحقق خواهد یافت.

۲- موجبات ارث کدامند؟

طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی، موجبات ارث دو امر است: نسب و سبب
الف؛ قرابت نسبی: منظور از قرابت و فامیلی نسبی، عبارتند از قرابتی است که برای انسان از طریق تولد حاصل می‌گردد. مانند جد (پدربزرگ پدری) پدر، فرزند، نوه.....

ب؛ قرابت سببی: منظور از قرابت و فامیلی سببی، عبارتند از قرابتی است که برای انسان از طریق عقد نکاح و زوجیت شرعی و قانونی مرد با یک زن حاصل می‌شود بدین ترتیب با تحقق هر یک از موجبات مذکور، سبب ارث بردن وارث از مورث نسبی با سببی خود خواهد بود.

^۱. فهرست بندی و تقسیم مطالب عیناً از متن قانون مدنی ایران اقتباس شده است.



مبحث دوم: شرایط و ارکان تحقق ارث

۱- فوت مورث، ماده ۸۶۷ قانون مدنی می‌گوید: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث، تحقق پیدا می‌کند، منظور از موت حقیقی، فقدان روح و خروج کامل آن از بدن انسان می‌باشد، و موت فرضی به اصطلاح قانونگذار به کسی اطلاق می‌شود که مفقود الاثر باشد و مدت ۱۰ سال از مفقودیت وی سپری شده باشد و با منقضی شدن مدت ۱۰ ساله، سن غایب از ۷۵ سال گذشته باشد، بند یک ماده ۱۰۲ قانون مدنی عادتاً چنین شخص غایبی را زنده فرض نمی‌کند، و با صدور حکم فوت فرضی این غایب، ماترک وی به ورثه اش انتقال می‌یابد.

۲- وجود وارث

ماده ۸۷۵ قانون مدنی در بیان یکی از شرایط تصاحب ارث متوفی اشعار داشته: «شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الفوت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد». اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۶۵۱ - ۱۳۸۰/۱۶/۱۸ تصریح نموده: «چنانچه فوت فرزند قبل از فوت مادر محقق و محرز باشد مادر از فرزند متوفی خود ارث می‌برد هرچند بعداً فوت نموده باشد که با فوت مادر این حق به سایر ورثه منتقل شده و آنها نسبت به سهم الارث خود استحقاق مطالبه آن را خواهند داشت و مطالبه دیه از طرف آنان در پرونده کیفری محتاج به تقدیم دادخواست نیست.»

۳- وجود ماترک

بدیهی است که می‌بایست از متوفی مالی به جا مانده باشد تا بعنوان میراث وی به ورثه‌اش منتقل گردد، لیکن مطابق ماده ۸۶۸ قانون مدنی وراثت هنگامی به ماترک استحقاق پیدا می‌نمایند که بدو دیون واجبات مالی مرحوم مورث خود را از ترکه خارج نموده و پرداخت نمایند، آنگاه مالکیت شان نسبت به ماترک استقرار خواهد یافت، در



این باره ماده ۸۶۹ قانون مدنی می‌گوید؛ حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن ادا شود از قرار ذیل است:

(۱) قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است.

(۲) دیون و واجبات مالی

(۳) وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه آنها

مبحث سوم؛ موانع ارث

به موجب مقررات مواد ۸۸۰ و ۸۸۱ مکرر و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ از قانون مدنی، **مانع از ارث** عبارتند از، وقوع امری است برای کسی که از حیث شرایط، وراثت متوفی را واجد است، لیکن در صورت واقع شدن آن امر، از آن شخص، از بردن ارث مورث خود، محروم می‌گردد، موانعی که قانونگذار به شرح مواد مرقوم به ترتیب احصاء نموده است به شرح زیر است.

(۱) **قتل:** کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود.

(۲) **کفر:** کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وارث کافر ارث نمی‌برد اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

(۳) **لعان^۱:** بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده از پدر و پدر از او ارث نمی‌برد، لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند.

(۴) **ولدالزنا^۱:** ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد، لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه، زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.

^۱ . لعان نسبت دادن جرم زنا از طرف زوج به زوجه است و نفی انتساب فرزندی که ملحق به فراش زوج است که با اجرای تشریفات شرعی لعان به دستور قاضی فرزند مورد لعان که او را ابن الملاعنه گویند دیگر منتسب به زوج قاذف نمی‌شود. به نقل از کتاب ترمینولوژی حقوق دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی چاپ دوم - صفحه ۵۸۸

بنا به مقررات فوق‌الاشعار چنانچه هر یک از موارد چهارگانه درباره وارثی رخ دهد از میراث مورث خویش محروم می‌گردد و در گواهی حصر وراثت صادره می‌بایست در صورتیکه وضعیت هریک از وراثت یکی از موارد چهارگانه منع از ارث بری از مورث متوفی باشد با دلیل و مدرک اثباتی مربوط نسبت به آن تصریح می‌گردد.

مبحث چهارم: حجب در ارث

ماده ۸۸۶ قانون مدنی، حجب را به این ترتیب تعریف می‌نماید: «حجب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم می‌شود» با این بیان وارثی را که به واسطه وجود او وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم می‌شود «حاجب» و وارث محروم را محجوب می‌نامند، همچنین در ادامه بحث حجب از ارث قانونگذار در ماده ۸۸۷ همان قانون، اینگونه محرومیت از ارث را بر دو قسم تقسیم نموده است.

- ۱- قسم اول حجب آنست که وارث از اصل ارث محروم گردد و این نوع از حجب را **حجب حرمانی** نامند^۲، مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود، یا برادر ابی که با بودن برادر ابوی از ارث محروم می‌گردد.
- ۲- قسم دوم حجب آنست که فرض ارث از حدّ اعلی به حد ادنی نازل می‌گردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و نیز تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج او اولاد باشد. اینگونه حجب که فرض ارث بری از حد اعلی به حد ادنی کاهش می‌یابد را **حجب نقصانی** نام نهاده‌اند.^۳

مبحث پنجم: میراث زوج و زوجه

زن و شوهری که از یکدیگر ارث می‌برند زوجینی هستند که علقه زوجیت بین آنها در اثر **عقد نکاح دائم** بوده و ممنوع از ارث هم نباشند، بنابراین **زوجه عقد نکاح**

^۱ ولدالزنا: طفل حاصل از رابطه غیرشرعی و قانونی زن و مرد را گویند. منبع پیشین صفحه ۷۵۷

^۲ عدل، مصطفی، حقوق مدنی، به کوشش: محمدرضا بندرچی همان منبع صفحه ۴۴۳

^۳ عدل، مصطفی، حقوق مدنی منبع پیشین، صفحه ۴۴۳



موقت از شوهر خود و بالعکس ارث نمی‌برد، و نیز هر یک از زن و یا شوهری که قاتل دیگری باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند، همچنانکه **ماده ۹۴۰ قانون مدنی** تصریح نموده: «زوجین که زوجیت آنها دایمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.» بدیهی است وارث بودن زن و شوهر نسبت به یکدیگر تا وقتی است که علقه زوجیت آنها کاملاً قطع نشده باشد، یعنی اگر با **وقوع طلاق** فی مابین و سپری شدن مدت عده طلاق، فوت یکی از آنها محقق شود از یکدیگر ارث نمی‌برند، در این باره ماده ۹۴۳ قانون مدنی می‌گوید: «اگر شوهر زن خود را طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد، لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند.» طبق ماده ۹۴۶ قانون مدنی زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه در حال حاضر از اموال ذیل [ارث می‌برد]:

۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

۲- از ابنیه و اشجار [قیمت آنها وفق ماده ۹۴۷ همان قانون]

مبحث ششم: ارث فرض بر و صاحبان فرض و قرابت و افراد خنثی

ماده ۸۹۳ قانون مدنی حاکی است: «وراث بعضی به فرض، بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند.» اما منظور از فرض چیست؟ در این باره ماده ۸۹۵ همان قانون عنوان داشته: «سهام معینه که فرض نامیده می‌شود عبارت است از: نصف، ربع، ثمن، دو ثلث، ثلث و سدس ترکه لیکن این سوال مطرح می‌شود که از نظر شرع مقدس اسلام و قانون صاحبان ارث فرض بر و قرابت و اشخاصی که گاهی به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برند چه کسانی هستند؟

۱- اشخاصی که به فرض ارث می‌برند، عبارتند از: مادر و زوج و زوجه (ماده

۸۹۶ قانون مدنی)

۲- اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند؛ عبارتند از: پدر،

دختر و دخترها و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی (ماده ۸۹۷ قانون مدنی)

۳- اشخاص دیگر از وراثت به غیر از موارد مذکور در دو ماده فوق الذکر فقط به **قرابت ارث می‌برند** (ماده ۸۹۸ قانون مدنی)

منظور از **وراثت قرابت بر** کلیه وراثی که به موجب قرابت نسبی و سببی به میت منسوب‌اند، می‌باشند که مطابق مقررات ارث در سهم الارث طبقات اول و دوم و سوم به ترتیبی که هرگاه برای میت، وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به طبقه ثانیه و چنانچه برای میت وارث طبقه دوم نباشد ترکه او به وارث طبقه سوم می‌رسد، بنابراین **قرابت، خویشاوندی** را گویند^۱، خواه به نسب باشد خواه به سبب و خویشاوندانی که با هم از طرف پدر و مادر قرابت دارند مانند برادر و خواهر که از یک پدر و مادر بدنیا آمده باشند را **قرابت ابوینی** و کسانی که خویشاوندی بین آنان فقط از جهت انتساب به پدر باشد، **قرابت ابی** گویند و کسانی که فقط از طرف مادر خویشاوند شخص باشند **قرابت امی** نامیده می‌شوند. لازم به ذکر است که صاحبان قرابت سهم آنان معین نیست و ممکن است به اختلاف موارد حصه بیشتر یا کمتری به آنها برسد.

۴- ارث افراد خنثی^۲

در ماده ۹۳۹ قانون مدنی در ادامه حکم وراثت خنثی آمده است که «اگر وارث خنثی بوده و از جمله وراثی باشد که ذکور آنها دو برابر انث می‌برند، سهم الارث او به طریق ذیل معین می‌شود: اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم انائیت غلبه داشته باشد، سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می‌برد و اگر هیچیک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد.»

^۱ دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق منبع پیشین، صفحه ۵۳۰

^۲ خنثی، مفهوماً انسانی که هم آلت تناسلی مرد را دارد و هم آلت تناسلی زن را، خنثی سه قسم است. ۱- خنثایی که جانب ذکور بر او غالب است او را خنثی ذکر نامیده‌اند ۲- خنثایی که جانب انث بر او غالب است او را خنثی ائنی خوانده اند. ۳- خنثایی که هیچ جانب بر او غالب نباشد او را خنثی مشکل می‌نامند (ماده ۹۳۹ قانون مدنی) به نقل از کتاب ترمینولوژی حقوق - دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی صفحه ۲۶۵



مبحث هفتم: سهم الارث طبقات اول و دوم و سوم وراث متوفی

ماده ۸۶۲ قانون مدنی طبقات وراث را سه طبقه می‌داند.

۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد

۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

۳- اعمام (عموها) و عمات (عمه‌ها) احوال (دائی‌ها) و خالات (خاله‌ها) و اولاد

آنها لازم به ذکر است که وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد و اگر در شخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود به جهت تمام آن موجبات ارث می‌برد، مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد و در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.^۱

تفصیل سهم الارث طبقات مختلفه وراث به شرح مواد ۹۰۶ لغایت ۹۳۸ قانون

مدنی تشریح گردیده و در انتهای کتابچه جدولی از میزان سهم الارث صاحبان فروض و هر سه طبقه وراث به تلاش و کوشش یکی از همکاران قضایی دادگستری قزوین^۲ مورد تهیه قرار گرفته که در قسمت ضمائیم منعکس می‌باشد، امید است مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

^۱. مواد ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۶ قانون مدنی

^۲. اصغر خمسه قاضی مشاور شورای حل اختلاف استان قزوین

۱- جدول طبقات ارث

تغییرات	صاحبان فروض	میزان فروض
در مورد سهم دیگر او که یک چهارم است در بحث یک چهارم بررسی می‌شود یک دوم بقیه را به قرابت می‌برد چند خواهر را در بحث دوسوم بررسی خواهیم کرد	۱- شوهر در صورت نبودن اولاد برای زوجه متوفیه اگر چه از شوهر دیگر باشد. ۲- دختر اگر فرزند منحصر باشد. ۳- خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتیکه منحصر به فرد باشد.	نصف: ماده ۸۹۹ قانون مدنی
در فرض بودن اولاد و اخوه در بحث یک ششم بررسی خواهد شد در صورت واحد بودن کلاله امی در بحث یک ششم بررسی خواهد شد.	۱- مادر متوفی در صورتیکه متوفی اولاد و اخوه نداشته باشد. ۲- کلاله امی در صورتیکه بیش از یکی باشد.	ثلث: ماده ۹۰۳ قانون مدنی
یک سوم بقیه را به رد می‌برند (به مساوی تقسیم می‌شود) یک سوم را به رد می‌برند (به مساوی تقسیم می‌شود)	۱- دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور ۲- دو خواهر و بیشتر ابوینی یا ابی آنها در صورتیکه برادر نداشته باشند	دو ثلث: ماده ۹۰۲ قانون مدنی
یک دوم در فرض یک دوم بحث شده است یک هشتم به بحث یک هشتم مراجعه شود	۱- شوهر در صورت فوت زوجه با بودن اولاد برای متوفی ۲- زوجه یا زوجه ها در صورت فوت زوج بدون داشتن اولاد	ربع: ماده ۹۰۰ قانون مدنی
در صورت نبودن اولاد برای متوفی سهم پدر دو سوم است در بحث یک سوم گفته شد در صورت نبودن اولاد و اخوه برای متوفی فرض مادر یک سوم است بیش از یک نفر در بحث یک سوم گفته شد	۱- پدر در صورت فوت اولادش با وجود اولاد برای متوفی ۲- مادر در صورت فوت اولادش با وجود اولاد و اخوه برای متوفی ۳- کلاله امی اگر تنها باشد	سُدس: ماده ۹۰۱ قانون مدنی
در صورت نبود اولاد برای زوج سهمیه زوجه یا زوجه ها یک چهارم است که در بحث یک چهارم بررسی شد.	ثمن فرض زوجه یا زوجه ها در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد	ثمن: ماده ۹۰۱ قانون مدنی

توجه: اخوه یعنی برادر و خواهر - کلاله یعنی برادر یا خواهر امی (مادری)



جدول سهم الارث طبقه اول

وارث طبقه اول	میزان ارث (فرض - قرابت - رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
اول ابوین ۱- پدر	اگر پدر تنها باشد تمام ماترک را می‌برد. (دو سوم سهم پدر، یک سوم بقیه را به رد می‌برد)	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	مادر و اولاد متوفی در قید حیات نیستند.
۲- مادر	اگر مادر تنها باشد تمام ماترک را می‌برد. (یک سوم به فرض و دوم سوم را به رد می‌برد)	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	پدر و اولاد متوفی در قید حیات نیستند.
۳- پدر و مادر (موضوع ماده ۹۰۶ ق.م.ق)	الف) پدر و مادر : دو سوم سهم پدر و یک سوم سهم مادر	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	اولاد متوفی در قید حیات نیست. در ضمن با شرایط ماده ۸۹۲ میت اخوه ندارد.
	ب) پدر و مادر اخوه (موضوع ماده ۸۹۲ ق.م.ق) دو سوم سهم پدر یک ششم فرض مادر بقیه سهم مادر به پدر داده می‌شود.	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	اولاد متوفی در قید حیات نیست. در ضمن با شرایط ماده ۸۹۲ میت اخوه دارد.
دوم اولاد ۱- فقط یک دختر	تمام ترکه را می‌برد. (یک دوم به فرض و بقیه را به رد می‌برد.)	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	متوفی پدر و مادر و اولاد ذکور و دختر دیگری ندارد.
۲- فقط یک پسر	تمام ترکه را به قرابت می‌برد.	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	متوفی پدر و مادر و اولاد دیگری اعم از ذکور و اناث ندارد.
۳- دو دختر یا بیشتر	دو سوم ترکه را به فرض و بقیه را به رد می‌برد و بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند.	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	متوفی پدر و مادر و اولاد ذکور ندارد.
۴- دو پسر یا بیشتر	تمام ترکه را می‌برند و بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند.	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	متوفی پدر و مادر و اولاد اناث ندارد.
۵- پسر و دختر	تمام ترکه را به اولاد می‌دهند. (سهم ذکور دو برابر سهم اناث می‌باشد.)	فقط ممکن است هریک از زوجین همراه وراث باشد.	متوفی پدر و مادر ندارد.



ادامه جدول سهم الارث طبقه اول

وارث طبقه اول	میزان ارث (فرض - قرابت - رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
سوم دختر ابوین و اولاد ۱- پدر و یک دختر	یک ششم سهم پدر، یک دوم فرض دختر و بقیه به همین نسبت بین آنها تقسیم می‌شود.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی مادر و اولاد ذکور و دختر دیگر ندارد
۲- پدر و چند دختر	یک ششم سهم پدر دو سوم سهم دخترها (که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند) و اگر از ماترک ماند به همین نسبت تقسیم می‌شود	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی مادر و اولاد ذکور ندارد
۳- پدر و چند پسر و دختر	یک ششم سهم پدر و بقیه متعلق به فرزندان است که به نسبت ذکور ۲ برابر اناث بین آنها تقسیم می‌شود	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی مادر ندارد
۴- مادر و یک دختر	یک ششم فرض مادر و یک دوم فرض دختر و بقیه به همین نسبت بین آنها تقسیم می‌شود	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی پدر، اولاد ذکور و دختر دیگر ندارد.
۵- مادر و چند دختر باهم	یک ششم فرض مادر و دو سوم دخترها (که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند) و اگر از ماترک ماند به همین نسبت تقسیم می‌شود	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی پدر و اولاد ذکور ندارد.
۶- مادر و یک پسر	یک ششم فرض مادر و بقیه متعلق به پسر است.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی پدر و اولاد اناث ندارد.
۷- مادر و چند دختر	یک ششم فرض مادر و بقیه متعلق به فرزندان است که به نسبت ذکور ۲ برابر اناث بین آنها تقسیم می‌شود	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی پدر ندارد.
۸- پدر و مادر و یک دختر	سهم پدر یک ششم و فرض مادر یک ششم و فرض دختر یک دوم و بقیه: الف) در صورتیکه متوفی اخوه با رعایت شرایط ماده ۸۹۲ ق.م نداشتند باشد بقیه بین پدر و مادر و دختر به صورت فرض فوق تقسیم می‌شود. ب) در صورتیکه متوفی اخوه با رعایت شرایط ماده ۸۹۲ ق.م داشته باشد مادر از بقیه چیزی نمی‌برد و بقیه بین پدر و دختر نسبت به سهم فوق تقسیم می‌شود.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	الف) متوفی اولاد ذکور و اخوه ندارد ب) متوفی اولاد ذکور ندارد. (تبصره ۳)



<p>الف) متوفی اولاد ذکور و اخوه ندارد.</p> <p>ب) متوفی اولاد ذکور ندارد.</p>	<p>فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.</p>	<p>یک ششم سهم پدر، یک ششم فرض مادر، دو سوم فرض دختران و بقیه اگر باشد:</p> <p>الف) در صورتیکه متوفی اخوه با رعایت شرایط ماده ۸۹۲ ق.م نداشتند باشد بقیه ماترک بین پدر و مادر و دختر به نسبت فرض فوق تقسیم می‌شود.</p> <p>ب) در صورتیکه متوفی اخوه با رعایت شرایط ماده ۸۹۲ ق.م داشته باشد مادر از بقیه چیزی نمی‌برد و بقیه بین دخترها به نسبت فرض فوق تقسیم می‌شود.</p>	<p>۹- پدر و مادر و چند دختر و پسر</p>
<p>متوفی اولاد اناث و یا پسر دیگری ندارد</p>	<p>فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.</p>	<p>یک ششم سهم پدر، یک ششم فرض مادر و بقیه متعلق به پسر است.</p>	<p>۱۰- پدر و مادر و یک پسر</p>
<p>متوفی اولاد اناث ندارد.</p>	<p>فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.</p>	<p>یک ششم سهم پدر، یک ششم فرض مادر و بقیه متعلق به پسران است که بالتسویه بین خود تقسیم می‌کنند.</p>	<p>۱۱- پدر و مادر و چند پسر</p>
	<p>فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.</p>	<p>یک ششم سهم پدر، یک ششم فرض مادر بقیه متعلق به فرزندان که سهم ذکور ۲ برابر اناث است.</p>	<p>۱۲- پدر و مادر و چند پسر</p>



جدول سهم الارث طبقه دوم

وارث طبقه اول	میزان ارث (فرض - قرابت - رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
جد پدری	تمام ما ترک را می‌برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جده پدری و جد و جده مادری ندارد.
جده	تمام ما ترک را می‌برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جد پدری و جد و جده مادری ندارد
جد و جده پدر	تمام ماترک را می‌برند و به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌نمایند.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جد و جده مادری ندارد
جد مادری	تمام ما ترک را می‌برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جده مادری و جد و جده پدری ندارد
جده مادری	تمام ما ترک را می‌برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جد مادری و جد و جده پدری ندارد
جد و جده مادری	تمام ماترک را می‌برند و بالسویه بین خود تقسیم می‌نمایند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	متوفی جد و جده پدری ندارد
چهار اجداد با هم	سهم جد و جده پدری دو برابر جد و جده مادری است و در هر دو گروه بین خود مانند موارد (۳ و ۶ فرضهای بالا) عمل می‌نمایند در هفت فرض اصل بر این است که: اولاً: میت از طبقه اول هیچ وارثی ندارد ثانیاً: میت اخوه (برادر و خواهر) ندارد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	



ادامه جدول سهم الارث طبقه دوم

صاحبان ارث	میزان ارث (فرض - قرابت - رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
جد پدری و یک خواهر ابوینی یا ابی تنها	یک دوم فرض خواهر ابوینی یا ابی بقیه متعلق به جد پدری است	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد مادری و جد پدری و برادر یا خواهر دیگر
جده پدری و ۲ خواهر ابوینی یا ابی تنها	دو سوم فرض دو خواهر و بقیه متعلق به جده	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد مادری و جد پدری و برادر
جد و جده پدری و ۲ خواهر ابوینی یا ابی تنها	یک دوم فرض خواهر بقیه متعلق است به جد و جده	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد مادری و برادر و یا خواهر دیگر برای میت
جد و جده پدری با ۲ خواهر ابوینی یا ابی تنها	دو سوم فرض خواهرها و بقیه متعلق به جد و جده پدری است که به نسبت ذکور ۲ برابر اناث تقسیم می‌کنند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد مادری و برادر برای میت
جد مادری و یک خواهر ابوینی یا ابی تنها	یک دوم فرض خواهر و بقیه متعلق است به جد مادری	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد پدری و جده مادری و یا برادر و خواهر بزرگ
جده مادری با ۲ یا چند خواهر ابوینی یا ابی تنها	دو سوم فرض خواهرها و بقیه متعلق است به جد مادری	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد پدری و جد مادری و برادر
جد و جده مادری و یک خواهر ابوینی یا ابی تنها	یک دوم فرض خواهرها و بقیه متعلق به اجداد مادری که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد پدری و برادر و خواهر دیگر
جد و جده مادری و ۲ یا چند خواهر ابوینی یا ابی تنها	دو سوم فرض خواهرها و بقیه متعلق به اجداد مادری که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون اجداد پدری و برادر برای میت



جدول سهم الارث طبقه دوم

وارث طبقه اول	میزان ارث (فرض - قرابت - رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
یک برادر	تمام ماترک را می برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون خواهر و برادر دیگر (در خصوص ابوینی و ابی و امی در قسمتهای دیگر بحث می شود)
یک خواهر	الف) اگر ابوینی باشد یا ابی تنها باشد یک دوم را به فرض و بقیه را به رد می برد. ب) اگر امی باشد یک ششم را به فرض و بقیه ماترک را به رد می برد	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون خواهر دیگر و برادر یا برادران(خواهر ابوینی اگر باشد با خواهر ابی خواهر ابوینی خواهر ابی را از ارث محروم می کند)
یک برادر و یک خواهر	الف) اگر ابوینی باشند سهم برادر ۲ برابر خواهر است ب) اگر امی باشند بالسویه بین خود تقسیم می کنند. ج) اگر ابی باشند سهم او ۲ برابر خواهر است. د) اگر ابوینی یا ابی باشند ابوینی ابی را از ارث محروم می کند. ه) اگر یک برادر امی و یک خواهر ابوینی، ابی و یا ابی بود سهم خواهر ۲ برابر است	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون برادر و خواهر امی و یا برادران و خواهران ابوینی. بدون برادر و خواهر ابوینی یا ابی بدون برادر و خواهر ابوینی یا امی بدون برادر و خواهر امی
چند خواهر ابوینی یا ابی تنها	فرض خواهرها دو سوم و بقیه ماترک را به رد می برند.	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون برادر و خواهر ابی و یا برادران و خواهران دیگر امی
چند برادر و خواهر ابوینی و ابی و امی	سهم برادر و خواهران ابوینی دو برابر سهم برادران و خواهران امی است (ابی در فرض بودن ابوینی، او را از ارث محروم می کند)	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	بدون برادر و یا خواهر امی و نیز بدون برادر و برادران ابوینی یا ابی
تبصره:	در ۵ مورد فوق فرض و اصل بر این است که متوفی دارای اجداد نیست.		



جدول سهم الارث طبقه سوم

صاحبان ارث	میزان ارث (فرض- قرابت- رد)	دیگر وراث همراه	بدون وراث همراه
اعمام (عمو و عمه)	الف) عمه ها - در صورتیکه وراث میت یک عمه باشد تمام ترکه را می برد و اگر دو یا چند عمه باشند ماترک بالسویه بین خود تقسیم می کنند ب) عموها- در صورتیکه وراث میت یک عمو باشد تمام ترکه را می برد و اگر چند نفر باشند تمام ماترک را بالسویه بین خود تقسیم می کنند ج) عمو و عمه - تمام ماترک را به نسبت ذکور دو برابر اناث بین خود تقسیم می کنند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	الف) بدون عمو و اخوال ب) بدون عمه و اخوال ج) بدون اخوال
اخوال (خاله و دایی)	الف) یک خاله و یک دایی تمام ماترک را می برد ب) خاله ها یا دایی ها تمام ماترک را بالسویه بین خود تقسیم می کنند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	الف) بدون اعمام ب) بدون اعمام
اعمام و اخوال	به نسبت اقربای پدر دو برابر سهم برده و بین خود تقسیم می کنند که در گروه اول ذکور دو برابر اناث و در گروه دوم به نسبت مساوی بین خود تقسیم می کنند	فقط ممکن است هر یک از زوجین همراه وارث باشد.	
تبصره: باید توجه کرد طبقه سوم هنگامی مورد نظر است که برای متوفی از طبقه اول و دوم هیچ وارثی وجود نداشته باشد			



۲- بخشی از مواد قانون امور حسبی راجع به وصیت و حصر وراثت

فصل ششم: راجع به وصیت

- ماده ۲۷۶- وصیت نامه اعم از اینکه راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی، منقول یا غیرمنقول، ممکن است به طور رسمی یا خود نوشت یا سری تنظیم شود.
- ماده ۲۷۷- ترتیب تنظیم وصیت نامه رسمی و اعتبار آن به طوری است که برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است.
- ماده ۲۷۸- وصیت نامه خود نوشت در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضاء او رسیده باشد.
- ماده ۲۷۹- وصیت نامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت باید به امضاء موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آیین نامه وزارت دادگستری معین می‌گردد، امانت گذارده می‌شود.
- ماده ۲۸۰- کسی که سواد ندارد نمی‌تواند به ترتیب سری وصیت نماید.
- ماده ۲۸۱- کسی که نمی‌تواند حرف بزند هرگاه بخواهد وصیت نامه سری تنظیم کند باید تمام وصیت نامه را به خط خود نوشته و امضاء نماید و نیز در حضور مسئول دفتر رسمی روی وصیتنامه بنویسد که این برگ وصیتنامه اوست و در این صورت مسئول دفتر باید روی پاکت یا لفافی که وصیت نامه در اوست بنویسد که عبارت مزبور را موصی در حضور او نوشته است.
- ماده ۲۸۲- وصیت نامه سری را موصی همه وقت می‌تواند به ترتیبی که برای استرداد اسناد امانتی مقرر است استرداد نماید.
- ماده ۲۸۳- در موارد فوق العاده از قبیل جنگ یا خطر مرگ فوری و امراض ساریه و مسافرت در دریا که مرادده نوعاً مقطوع و به این جهت، موصی نمی‌تواند به یکی از



طریق مذکور وصیت کند، ممکن است وصیت به طریقی که در مواد بعد ذکر می‌شود، واقع شود.

ماده ۲۸۴- افراد و افسران نظامی یا کسانی که در ارتش اشتغال به کاری دارند می‌توانند نزد، یک نفر افسر یا هم‌ردیف او با حضور دو گواه وصیت خود را شفاهاً اظهار نمایند.

ماده ۲۸۵- در صورتی که نظامی یا کسی که در ارتش اشتغال به کاری دارد بیمار یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی در آنجاست، اظهار نماید.

ماده ۲۸۶- اشخاصی می‌توانند به ترتیب مذکور در دو ماده قبل وصیت نمایند که در جنگ یا مامور عملیات جنگی باشند و یا در محلی زندانی یا محصور باشند که مرادده‌ای با خارج نباشد.

ماده ۲۸۷- در سایر موارد مذکور در ماده ۲۸۳ موصی می‌تواند در حضور دو نفر گواه، وصیت خود را اظهار نماید و یکی از آن دو گواه اظهارات او را با تعیین تاریخ، روز و ماه و سال و محل وقوع وصیت نوشته و موصی و گواه‌ها آن را امضاء می‌نمایند و اگر موصی نتواند امضاء کند گواه‌ها این نکته را در وصیتنامه قید می‌کنند.

ماده ۲۸۸- اشخاصی که مطابق ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ وصیت نزد آنها شده و همچنین گواه‌های مذکور در ماده قبل در اول زمان امکان باید در اداره ثبت اسناد یا محلی که در آیین نامه وزارت دادگستری تعیین می‌شود حاضر شده وصیت نامه را مطابق مقررات راجع به امانت گذاردن اسناد امانت بگذارند و ضمناً اعلام کنند که این آخرین وصیت موصی است که با داشتن اهلیت اظهار داشته.

ماده ۲۸۹- در صورتی که اشخاص مذکور در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ اظهارات موصی را ننوشته باشند در اول زمان امکان نزد دادرس دادگاه بخشی که به او دسترسی دارند حاضر شده و اظهارات موصی را با تاریخ و محل وقوع وصیت اهلیت موصی، شفاهاً



اظهار می‌دارند. اظهارات مزبور در صورتمجلس نوشته شده و به امضاء دادرس دادگاه بخش و گواها می‌رسد.

ماده ۲۹۰- وصیتی که مطابق مواد قبل (در موارد غیرعادی) واقع می‌شود بعد از گذشتن یک ماه از تاریخ مراجعت و رسیدن موصی به محلی که بتواند به یکی از طرق مذکور در ماده ۲۷۶ وصیت کند یا گذشتن یک ماه از تاریخ بازشدن راه و مرتفع شدن مانعی که به واسطه آن مانع، نتوانسته موصی به یکی از طرق مذکور وصیت نماید، بی‌اعتبار می‌شود مشروط به اینکه در مدت نامبرده موصی متمکن از وصیت باشد.

ماده ۲۹۱- هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده باشد، در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه به صحت وصیت اقرار نمایند.

ماده ۲۹۲- هردادگاه - اداره - بنگاه یا شخصی که وصیت نامه به او سپرده شود و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آنجا اظهار گردیده، مکلف است بعد از اطلاع به فوت موصی، وصیت نامه یا صورتمجلس راجع به وصیت را به دادگاه بخشی که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است، بفرستد اعم از اینکه وصیت نامه نامبرده به حسب قانون قابل ترتیب اثر باشد یا نباشد و هرگاه وصیتنامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود.

ماده ۲۹۳- هرگاه کسی که وصیت نامه نزد اوست خارج از مقر دادگاه بخش مذکور فوق باشد می‌تواند وصیت نامه را به دادگاه محل خود تسلیم نماید و آن دادگاه مکلف است فوراً وصیتنامه را به دادگاه بخش نامبرده بفرستد.

ماده ۲۹۴- دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یا تصدیق حصر وراثت می‌شود، قید می‌کند که هرکس وصیت نامه ای از متوفی نزد اوست در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده بفرستد و پس از گذشتن این مدت، هر وصیت نامه‌ای (جز وصیت نامه رسمی و سری) ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.



ماده ۲۹۵- پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه بخش وقتی را برای افتتاح وصیتنامه تعیین و به اشخاصی که وراثت آنها معلوم است، اطلاع می‌دهد که در وقت مزبور حاضر شوند.

ماده ۲۹۶- هنگام ابراز وصیت نامه، دادرس دادگاه بخش باید با حضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر، صورتمجلسی مشتمل بر خلاصه وصیت و اینکه وصیت نامه در حضور او باز شده و خصوصیات وصیت نامه از قبیل مهر و موم و غیره تنظیم و به امضاء حضار برساند.

وصیت نامه سری را دادرس دادگاه بخش با حضور اشخاصی باز می‌نماید که لفاف آن را امضاء یا مهر کرده و در تاریخ بازکردن زنده و در مقر دادگاه حاضر هستند. اصل وصیت نامه که مطابق این ماده نزد دادرس دادگاه بخش باز می‌شود به دفتر امانات ثبت فرستاده می‌شود و رونوشت آن در دفتر دادگاه می‌ماند اشخاص ذینفع می‌توانند از آن رونوشت بگیرند.

ماده ۲۹۷- بعد از باز شدن وصیت نامه دادگاه بخش به اشخاصی که وصیت به نفع آنها شده یا کسانی که وصی معین شده‌اند مراتب را اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۹۸- وصیت نامه وقتی معتبر است که تمام آن موجود باشد و ادعای فقدان وصیت نامه اعم از اینکه این دعوی نسبت به تمام وصیت نامه یا قسمتی از آن باشد، مسموع نیست.

ماده ۲۹۹- ترتیب صدور سند مالکیت به نام ورثه یا موصی له نسبت به اموال غیرمنقول که به نام مورث ثبت شده است در آیین نامه وزارت دادگستری معین می‌شود.

فصل دهم- در تصدیق انحصار وراثت

ماده ۳۶۰- در صورتی که وراثت متوفی یا سایر اشخاص ذینفع به خواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند، درخواست نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات



درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وراثت، تنظیم نموده، به دادگاه تسلیم می‌نماید.

ماده ۳۶۱- (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸) دادگاه رسیدگی کننده درخواست متقاضی را یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار یا محلی آگهی می‌نماید.

تبصره - (الحاقی ۱۳۳۷/۹/۲۰) در نقاطی که روزنامه دائر نیست دادگاه می‌تواند به جای آگهی در روزنامه محلی به تعداد لازم به هزینه متقاضی گواهی حصر وراثت، آگهی تهیه نموده و در معابر همان محل الصاق نماید.

تاریخ الصاق آگهی ها که باید در یک روز به عمل آید به وسیله صورت جلسه که مامورین ابلاغ نسبت به این موضوع تهیه می‌نمایند، رعایت خواهد گردید.

ماده ۳۶۲- (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸) پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی، در صورتی که معترضی نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست کننده تصدیق را از برگ شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته، تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین تعداد وراثت و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض، دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده به معترض و درخواست کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد. این حکم برابر مقررات قابل تجدیدنظر است.

ماده ۳۶۳- دادگاه بخش می‌تواند گواه‌ها را احضار کرده و گواهی آن را استماع کند. چنانچه گواه در خارج از مقر دادگاه ساکن باشد، تحقیق از گواه بوسیله دادگاه محل اقامت گواه یا نزدیکترین دادگاه محل اقامت گواه به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۶۴- (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸) در صورتی که بهای ترکه بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال نباشد، دادگاه بدون انتشار آگهی، به ادله درخواست کننده رسیدگی و درخواست صدور گواهی حصر وراثت را حسب اقتضای دلایل قبول یا رد می‌نماید.

در موارد وراثت روستائیان در صورتی که بهای ترکه بیش از مبلغ فوق باشد فقط به الصاق آگهی برای یک بار و در یک روز در معابر و اماکن عمومی روستای محل اقامت



متوفی اکتفا خواهد شد و پس از انقضاء یک ماه از تاریخ الصاق، دادگاه رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

وزارت دادگستری می‌تواند هر سه سال یک بار با تصویب رئیس قوه قضائیه با توجه به شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی مبلغ مذکور را افزایش یا کاهش دهد.

تبصره- (الحاقی مصوب ۱۳۳۷/۹/۲۰) در مورد این ماده دادگاه باید در اولین فرصت و اسرع وقت نسبت به درخواست تصدیق، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۳۶۵- در صورتی که به واسطه معلوم نبودن ورثه یا برای تصفیه ترکه و غیره قبلاً برای معرفی ورثه آگهی شده باشد، صدور تصدیق انحصار وراثت محتاج به آگهی جدید نبوده و در صورت درخواست هر یک از ورثه یا اشخاص ذینفع تصدیق انحصار وراثت صادر خواهد شد.

ماده ۳۶۶- رای دادگاه دایر بر درخواست تصدیق قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۳۶۷- در کلیه موارد که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلاوارث بوده و درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است، می‌تواند به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید و نیز می‌تواند در صورتی که متوفی را بلاوارث بداند به تصدیق انحصار وراثت در موردی هم که تصدیق مسبوق به آگهی نبوده است اعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد از رای دادگاه پژوهش و فرجام بخواهد.

ماده ۳۶۸- مادامی که برای محجور، قیم و برای غایب امین معین نشده، دادستان می‌تواند به نام محجور و غایب، به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید.

ماده ۳۶۹- در مورد ماده ۳۶۴ اشخاص ذینفع می‌توانند به درخواست تصدیق و همچنین به تصدیقی که در موضوع وراثت صادر می‌شود، اعتراض نمایند و رای دادگاه در این خصوص قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۳۷۰- اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت تحصیل کرده اند، می‌توانند مطابق تصدیق نامبرده ترکه و مطالبات متوفی را از کسانی که مدیون یا متصرف مال متوفی هستند، مطالبه نمایند مدیون یا متصرف اموال باید ترکه و مطالبات متوفی را به آنها



تسلیم نماید و در صورت تادیه دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت، بری محسوب خواهد شد و مدعی نامبرده حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق به او را دریافت نموده اند.

تبصره - (طبق بند ۴ ماده واحده قانون مصوب ۱۳۳۷/۹/۲۰ ملغی شده).

ماده ۳۷۱- مدیون که بدهی خود را به وراثت متوفی می‌دهد می‌تواند رونوشت گواهی شده انحصار وراثت را از وراثت بخواهد.

ماده ۳۷۲- در تصدیق انحصار وراثت باید نسبتی که وارث یا ورثه به مورث خود دارند، از متروکات به نحو اشاعه معین شود.

ماده ۳۷۳- در تصدیق انحصار وراثت به درخواست ورثه دادگاه حصه هر یک از ورثه را معین می‌نماید.

ماده ۳۷۴- در صورتی که ورثه به خواهند ملک غیر منقولی که به نام مورث ثبت شده است، به نام آنها ثبت گردد باید تصدیق انحصار وراثت یا رونوشت گواهی شده آن را که مشتمل بر تعیین سهام باشد به اداره ثبت تسلیم نمایند.



۳- موادی از قانون مدنی: مبحث وصیت و ارث

قسمت چهارم: در وصایا و ارث

باب اول- در وصایا

فصل اول - در کلیات

ماده ۸۲۵- وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی.

ماده ۸۲۶- وصیت تملیکی عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند.

وصیت عهدی عبارت است از این که شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مامور می‌نماید.

وصیت کننده موصی، کسی که وصیت به نفع او شده است موصی له، مورد وصیت موصی به، و کسی که به موجب وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می‌شود وصی نامیده می‌شود.

ماده ۸۲۷- تملیک به موجب وصیت، محقق نمی‌شود مگر با قبول موصی له پس از فوت موصی.

ماده ۸۲۸- هرگاه موصی له غیرمحصور باشد مثل این که وصیت برای فقراء یا امور عام‌المنفعه شود قبول، شرط نیست.

ماده ۸۲۹- قبول موصی له قبل از فوت موصی موثر نیست و موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتی که موصی له موصی به را قبض کرده باشد.

ماده ۸۳۰- نسبت به موصی له، رد یا قبول وصیت، بعد از فوت موصی معتبر است بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد، بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمی‌تواند آن را رد کند؛ لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت، قبول ثانوی لازم نیست.



ماده ۸۳۱- اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت با ولی خواهد بود.

ماده ۸۳۲- موصی له می‌تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می‌شود.

ماده ۸۳۳- ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آن‌ها اعلام نکرده است.

اگر تاخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور می‌کند که تصمیم خود را معین نماید.

ماده ۸۳۴- در وصیت عهده‌ی، قبول شرط نیست، لیکن موصی می‌تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد از آن، حق رد ندارد اگر چه جاهل بر وصایت بوده باشد.

فصل دوم- در موصی

ماده ۸۳۵- موصی باید نسبت به مورد وصیت، جایز التصرف باشد.

ماده ۸۳۶- هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن، وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به موت نشد وصیت نافذ خواهد بود.

ماده ۸۳۷- اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست.

ماده ۸۳۸- موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند.

ماده ۸۳۹- اگر موصی ثانیاً وصیتی بر خلاف وصیت اول نماید وصیت دوم صحیح است.



فصل سوم - در موصی به

ماده ۸۴۰- وصیت به صرف مال در امر غیر مشروع باطل است.

ماده ۸۴۱- موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر ولو با اجازه مالک باطل است.

ماده ۸۴۲- ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت نمود.

ماده ۸۴۳- وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر با اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است.

ماده ۸۴۴- هرگاه موصی به مال معینی باشد آن مال تقویم می‌شود اگر قیمت آن بیش از ثلث ترکه باشد مازاد مال ورثه است مگر این که اجازه از ثلث کند.

ماده ۸۴۵- میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات، معین می‌شود نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت.

ماده ۸۴۶- هرگاه موصی به منافع ملکی باشد دائماً یا در مدت معین به طریق ذیل از ثلث، اخراج می‌شود:

بدو عین ملک با منافع آن تقویم می‌شود، سپس ملک مزبور با ملاحظه مسلوب المنفعه بودن در مدت وصیت تقویم شده تفاوت بین دو قیمت از ثلث حساب می‌شود. اگر موصی به، منافع دائمی ملک بوده و به این جهت عین ملک قیمتی نداشته باشد قیمت ملک با ملاحظه منافع از ثلث محسوب می‌شود.

ماده ۸۴۷- اگر موصی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر این که در وصیت، طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۸۴۸- اگر موصی به جزء مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث، موصی له با ورثه در همان مقدار از ترکه مشاعاً شریک خواهد بود.

ماده ۸۴۹- اگر موصی زیاده بر ثلث را به ترتیب معینی وصیت به اموری کرده باشد و ورثه زیاده بر ثلث را اجازه نکنند به همان ترتیبی که وصیت کرده است از ترکه خارج

می‌شود تا میزان ثلث، و برثلث، باطل خواهد شد و اگر وصیت به تمام، یک دفعه باشد زیاده از همه کسر می‌شود.

فصل چهارم - در موصی له

ماده ۸۵۰- موصی له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است.

ماده ۸۵۱- وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر این که زنده متولد شود.

ماده ۸۵۲- اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی به، به ورثه او می‌رسد مگر این که جرم مانع ارث باشد.

ماده ۸۵۳- اگر موصی لهم متعدد و محصور باشند موصی به بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود مگر این که موصی طور دیگر مقرر داشته باشد.

فصل پنجم - در وصی

ماده ۸۵۴- موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید. در صورت تعدد اوصیاء باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند مگر در صورت تصریح به استقلال هر یک.

ماده ۸۵۵- موصی می‌تواند چند نفر را به نحو ترتیب، وصی معین کند به این طریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد و اگر دومی فوت کرد سومی باشد و هكذا.

ماده ۸۵۶- صغیر را می‌توان به اتفاق یک نفر کبیر، وصی قرار داد؛ در این صورت اجرای وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر.

ماده ۸۵۷- موصی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود اختیارات ناظر به طریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود.



- ماده ۸۵۸- وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی یا تفریط.
- ماده ۸۵۹- وصی باید بر طبق وصایای موصی رفتار کند والا ضامن و منجزل است.
- ماده ۸۶۰- غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر، وصی معین کند.

باب دوم - در ارث

فصل اول - در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراثت

- ماده ۸۶۱- موجب ارث دو امر است: نسب و سبب
- ماده ۸۶۲- اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه اند:
 - (۱) پدر و مادر و الاد و اولادِ اولاد.
 - (۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد.
 - (۳) اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد.
- ماده ۸۶۳- وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد.
- ماده ۸۶۴- از جمله اشخاصی که به موجب سبب، ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد.
- ماده ۸۶۵- اگر در شخص واحد، موجبات متعدد ارث، جمع شود، به جهت تمام آن موجبات، ارث می‌برد مگر این که بعضی از آن ها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد.
- ماده ۸۶۶- در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.

فصل دوم - در تحقق ارث

- ماده ۸۶۷- ارث به موت حقیقی یا موت فرضی مورث، تحقق پیدا می‌کند.
- ماده ۸۶۸- مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته.



ماده ۸۶۹- حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است:

(۱) قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است.

(۲) دیون و واجبات مالی متوفی.

(۳) وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه.

ماده ۸۷۰- حقوق مزبوره در ماده قبل باید به ترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تادیه شود و مابقی اگر باشد بین وراثت تقسیم گردد.

ماده ۸۷۱- هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.

ماده ۸۷۲- اموال غایب مفقود الاثر تقسیم نمی‌شود مگر بعد از ثبوت فوت او یا انقضای مدتی که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.

ماده ۸۷۳- اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تاخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آن که موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند.

ماده ۸۷۴- اگر اشخاصی که بین آن‌ها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آن‌ها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر، مجهول باشد فقط آن که تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.

فصل سوم- در شرایط و جمله از موانع ارث

ماده ۸۷۵- شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است؛ اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

ماده ۸۷۶- با شک در حیات حین ولادت، حکم وراثت نمی‌شود.



ماده ۸۷۷- در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه امارات قانونی که برای اثبات نسب، مقرر است رعایت خواهد شد.

ماده ۸۷۸- هرگاه در حین موت مورث، حملی باشد که اگر قابل وراثت، متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراثت دیگر می‌گردد تقسیم ارث به عمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچ یک از وراثت نباشد و آن‌ها بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه هریک از وراثت، مراعی است تا حال حمل معلوم شود.

ماده ۸۷۹- اگر بین وراثت، غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم شود؛ در صورتی که محقق گردد قبل از مورث مرده است حصه او به سایر وراثت برمی‌گردد والا به خود او یا به ورثه او می‌رسد.

ماده ۸۸۰- قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا با شرکت دیگری.

ماده ۸۸۱- (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق، مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱- مکرر (الحاقی ۱۳۷۰/۸/۱۴) کافر از مسلم ارث نمی‌برد، و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۸۸۲- بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده از پدر و پدر از او ارث نمی‌برد، لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند.

ماده ۸۸۳- هرگاه پدر از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.



ماده ۸۸۴- ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد، لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.

ماده ۸۸۵- اولاد و اقوام کسانی که به موجب ماده ۸۸۰ از ارث ممنوع می‌شوند محروم از ارث نمی‌باشند؛ بنابراین اولاد کسی که پدر خود را کشته باشد از جد مقتول خود ارث می‌برد اگر وارث نزدیک تری باعث حرمان آنان نشود.

فصل چهارم- در حجب

ماده ۸۸۶- حجب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم می‌شود.

ماده ۸۸۷- حجب دو قسم است:

قسم اول آن است که وارث از اصل ارث، محروم می‌گردد مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود، یا برادر ابی که با بودن برادر ابویینی از ارث محروم می‌گردد.

قسم دوم آن است که فرض وارث از حدّ اعلی به حدّ ادنی نازل می‌گردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و هم چنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج او اولاد باشد.

ماده ۸۸۸- ضابطه حجب از اصل ارث، رعایت اقربیت به میت است؛ بنابراین هر طبقه از وراثت، طبقه بعد را از ارث محروم می‌نمایند مگر در مورد ماده ۹۳۶ و موردی که وارث دورتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می‌برند.

ماده ۸۸۹- در بین وراثت طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد او هر قدر که پایین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هر یک از ابویین متوفی که زنده باشد ارث می‌برند؛ ولی در بین اولاد اقرب به میت، بعد را از ارث محروم می‌نمایند.



ماده ۸۹۰- در بین وراثت طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهر نباشد اولاد اخوه هر قدر که پایین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده با هر یک از اجداد متوفی که زنده باشد ارث می‌برند، لیکن در بین اجداد یا اولاد اخوه اقرب به متوفی ابعدها را از ارث محروم می‌کند. مفاد این ماده در مورد وراثت طبقه سوم نیز مجری می‌باشد.

ماده ۸۹۱- وراثت ذیل حاجب از ارث ندارند:

پدر، مادر، پسر، دختر، زوج و زوجه

ماده ۸۹۲- حاجب از بعضی فرض در موارد ذیل است:

الف) وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد، در این صورت ابویین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می‌شوند مگر در مورد مواد ۹۰۸-۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابویین به عنوان قرابت یا رد، بیش از یک سدس ببرد و هم چنین زوج از بردن بیش از یک ربع و زوجه از بردن بیش از یک ثمن محروم می‌شود.

ب- وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد، در این صورت مادر میت از بردن بیش از یک سدس محروم می‌شود مشروط بر این که:

اولاً: لااقل دو برادر یا یک برادر و دو خواهر یا چهارخواهر باشند.

ثانیاً: پدر آن‌ها زنده باشد.

ثالثاً: از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل.

رابعاً: ابویینی یا ابی تنها باشند.

فصل پنجم: در فرض و صاحبان فرض

ماده ۸۹۳- وراثت بعضی به فرض، بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند.

ماده ۸۹۴- صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است. صاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آن‌ها معین نیست.



ماده ۸۹۵- سهام معینه که فرض نامیده می‌شود عبارت است از نصف، ربع، ثمن، دوثلث، ثلث، و سدس ترکه.

ماده ۸۹۶- اشخاصی که به فرض ارث می‌برند عبارت‌اند از مادر و زوج و زوجه.

ماده ۸۹۷- اشخاصی که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی.

ماده ۸۹۸- وراث دیگر به غیر از مذکورین در دو ماده فوق فقط به قرابت ارث می‌برند.

ماده ۸۹۹- فرض سه وارث نصف ترکه است:

(۱) شوهر در صورت نبودن اولاد برای متوفات اگر چه از شوهر دیگر باشد.

(۲) دختر اگر فرزند منحصر باشد.

(۳) خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتی که منحصر به فرد باشد.

ماده ۹۰۰- فرض دو وارث ربع ترکه است:

(۱) شوهر در صورت فوت زن، با داشتن اولاد.

(۲) زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد.

ماده ۹۰۱- ثمن، فریضه زوجه یا زوجه‌ها است در صورت فوت شوهر با داشتن

اولاد.

ماده ۹۰۲- فرض دو وارث، دو ثلث ترکه است:

(۱) دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور.

(۲) دو خواهر و بیشتر ابوینی یا ابی تنها با نبودن برادر.

ماده ۹۰۳- فرض دو وارث، ثلث ترکه است:

(۱) مادر متوفی در صورتی که میت اولاد و اخوه نداشته باشد.

(۲) کلاله امی در صورتی که بیش از یکی باشد.

ماده ۹۰۴- فرض سه وارث، سدس ترکه است:

پدر و مادر و کلاله امی اگر تنها باشد.



ماده ۹۰۵- از ترکه میت هر صاحب فرض، حصه خود را می‌برد و بقیه به صاحبان قرابت می‌رسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه، نباشد باقی به صاحب فرض، رد می‌شود مگر در مورد زوج و زوجه که به آنها رد می‌شود، لیکن اگر برای متوفی وارثی به غیر از زوج نباشد زاید از فریضه به او رد می‌شود.

فصل ششم - در سهم الارث طبقات مختلفه وراثت

مبحث اول - در سهم الارث طبقه اولی

ماده ۹۰۶- اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر یک از ابوبین در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد.

و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد. لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.

ماده ۹۰۷- اگر متوفی ابوبین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود:

- اگر فرزند منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می‌رسد.
- اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر، ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود.
- اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد.

ماده ۹۰۸- هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوبین او موجود باشند با یک دختر، فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه، و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام وراثت به نسبت فرض آن‌ها تقسیم شود مگر این که مادر، حاجب داشته باشد که در این صورت مادر از باقی چیزی نمی‌برد.

ماده ۹۰۹- هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوبین او موجود باشند با چند دختر، فرض تمام دخترها دو ثلث ترکه خواهد بود که بالسویه بین آن‌ها تقسیم می‌شود و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض



آن‌ها تقسیم می‌شود مگر این که مادر حاجب داشته باشد، در این صورت مادر از مابقی چیزی نمی‌برد.

ماده ۹۱۰- هرگاه میت اولاد داشته باشد گرچه یک نفر، اولاد اولاد او ارث نمی‌برند.
ماده ۹۱۱- هرگاه میت اولاد بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و به این طریق جزو وراثت طبقه اول، محسوب، و با هر یک از ابویین که زنده باشد ارث می‌برند.

تقسیم ارث بین اولاد اولاد بر حسب نسل به عمل می‌آید یعنی هر نسل، حصه کسی را می‌برد که به توسط او به میت می‌رسد: بنابراین اولاد پسر، دو برابر اولاد دختر می‌برند.

در تقسیم بین افراد یک نسل، پسر دو برابر دختر می‌برد.

ماده ۹۱۲- اولاد اولاد تا هر درجه که پایین بروند به طریق مذکور در ماده فوق ارث می‌برند با رعایت این که اقرب به میت، ابعد را محروم می‌کند.

ماده ۹۱۳- در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد، و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد؛ مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراثت تقسیم می‌شود.

ماده ۹۱۴- اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض، ترکه میت کفایت نصیب تمام آن‌ها را نکند، نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود. و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض، زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می‌شود، لیکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمی‌برد.



ماده ۹۱۵- انگشتی که میت معمولاً استعمال می‌کرده و همچنین قرآن و رخت‌های شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می‌رسد بدون این که از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر این که ترکه میت منحصر به این اموال نباشد.

مبحث دوم - در سهم الارث طبقه دوم

ماده ۹۱۶- هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث طبقه ثانیه می‌رسد.

ماده ۹۱۷- هر یک از وارث طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آن‌ها بر طبق مواد ذیل تقسیم می‌شود.

ماده ۹۱۸- اگر میت اخوهی ابوینی داشته باشد اخوهی ابی ارث نمی‌برند. در صورت نبودن اخوهی ابوینی اخوهی ابی حصه آن‌ها را می‌برند.

ماده ۹۱۹- اگر وارث میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا چند خواهر ابوینی یا چند خواهر ابی باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود.

ماده ۹۲۰- اگر وارث میت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۲۱- اگر وارث چند برادر امّی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود.

ماده ۹۲۲- هرگاه اخوه ابوینی و اخوه امّی باهم باشند تقسیم به طریق ذیل می‌شود: اگر برادر یا خواهر امّی یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که به طریق مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند.

اگر کلاله امی متعدد باشند ثلث ترکه به آن‌ها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند.

ماده ۹۲۳- هرگاه ورثه اجداد یا جدات باشند ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود:



- اگر جد یا جدّه تنها باشد اعم از ابی یا امّی تمام ترکه به او تعلق می‌گیرد.
 - اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتی که ابی باشند ذکور دو برابر اناث می‌برد و اگر همه امّی باشند بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌گردد.
 - اگر جد یا جدّه ابی و جد یا جدّه امّی با هم باشند ثلث ترکه به جد یا جدّه امّی می‌رسد و در صورت تعدد اجداد امّی، آن ثلث بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود و دو ثلث دیگر به جد یا جدّه ابی می‌رسد و در صورت تعدد، حصه ذکور از آن دو ثلث دو برابر حصه اناث خواهد بود.
- ماده ۹۲۴- هرگاه میت اجداد و کلاله با هم داشته باشد دو ثلث ترکه به وراثی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن، حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود و یک ثلث به وراثی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند؛ لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امّی باشد فقط سدس ترکه به او تعلق خواهد گرفت.
- ماده ۹۲۵- در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میت نه برادر باشد و نه خواهر، اولاد اخوه قائم مقام آن‌ها شده و با اجداد ارث می‌برند: در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه بر حسب نسل به عمل می‌آید یعنی هر نسل، حصه کسی را می‌برد که به واسطه او به میت می‌رسد؛ بنابراین اولاد اخوه ابوینی یا ابی حصه اخوه ابوینی یا ابی تنها، و اولاد کلاله امّی حصه کلاله امّی را می‌برند.
- در تقسیم بین افراد یک نسل اگر اولاد اخوه ابوینی یا ابی تنها باشند ذکور دو برابر اناث می‌برد، و اگر از کلاله امّی باشند بالسویه تقسیم می‌کنند.
- ماده ۹۲۶- در صورت اجتماع کلاله ابوینی و ابی و امّی کلاله ابی ارث نمی‌برد.
- ماده ۹۲۷- در تمام مواد مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.
- متقریبین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند.



هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد بر کلاله ابوینی یا ابی یا بر اجداد ابی وارد می‌شود.

مبحث سوم - در سهم الارث وراثت طبقه سوم

ماده ۹۲۸- هرگاه برای میت وراثت طبقه دوم نباشد ترکه او به وراثت طبقه سوم می‌رسد.

ماده ۹۲۹- هر یک از وراثت طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آن‌ها بر طبق مواد ذیل تقسیم می‌شود.

ماده ۹۳۰- اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد اعمام یا احوال ابی ارث نمی‌برند. در صورت نبودن اعمام یا احوال ابوینی اعمام یا احوال ابی حصه آن‌ها را می‌برند.

ماده ۹۳۱- هرگاه وراثت متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمه باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود، در صورتی که همه آن‌ها ابوینی یا همه ابی یا همه امی باشند. هرگاه عمو و عمه باهم باشند؛ در صورتی که همه امی باشند ترکه را بالسویه تقسیم می‌نمایند و در صورتی که همه ابوینی یا ابی باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود. ماده ۹۳۲- در صورتی که اعمام امی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشند عم یا عمه امی اگر تنها باشد سدس ترکه به او تعلق می‌گیرد، اگر متعدد باشند ثلث ترکه، و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم می‌کنند، و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا ابی می‌رسد که در تقسیم، ذکور دو برابر اناث می‌برد.

ماده ۹۳۳- هرگاه وراثت متوفی چند نفر دایی یا چند نفر خاله یا چند نفر دایی و چند نفر خاله با هم باشند ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود خواه همه ابوینی خواه همه ابی و خواه همه امی باشند.

ماده ۹۳۴- اگر وراثت میت، دایی و خاله ابی یا ابوینی، یا دایی و خاله امی باشند، طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگر متعدد باشند ثلث آن را می‌برند و



بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و مابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا ابی است که آن‌ها هم بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند.

ماده ۹۳۵- اگر برای میت یک یا چند نفر اعمام با یک یا چند نفر احوال باشد ثلث ترکه به احوال و دو ثلث آن به اعمام تعلق می‌گیرد.

تقسیم ثلث بین احوال بالسویه به عمل می‌آید، لیکن اگر بین احوال یک نفر امی باشد سدس حصه احوال به او می‌رسد، و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه به آن‌ها داده می‌شود، و در صورت اخیر تقسیم بین آن‌ها بالسویه به عمل می‌آید.

در تقسیم دو ثلث بین اعمام حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود، لیکن اگر بین اعمام یک نفر امی باشد سدس حصه اعمام به او می‌رسد، و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه به آن‌ها می‌رسد و در صورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم می‌کنند.

در تقسیم پنج سدس و یا دو ثلث که از حصه اعمام باقی می‌ماند بین اعمام ابوینی یا ابی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۳۶- با وجود اعمام یا احوال، اولاد آن‌ها ارث نمی‌برند مگر در صورت انحصار وارث به یک پسر عمومی ابوینی یا یک عمومی ابی تنها که فقط در این صورت پسر عمو عمو را از ارث محروم می‌کند، لیکن اگر با پسر عمومی ابوینی، خال یا خاله باشد یا اعمام متعدد باشند ولو ابی تنها، پسر عمو ارث نمی‌برد.

ماده ۹۳۷- هرگاه برای میت نه اعمام باشد و نه احوال، اولاد آن‌ها به جای آن‌ها ارث می‌برند و نصیب هر نسل، نصیب کسی خواهد بود که به واسطه او به میت متصل می‌شود.

ماده ۹۳۸- در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقرب به مادر هم نصیب خود را از اصل ترکه می‌برد باقی ترکه مال متقرب به پدر است و اگر نقصی هم باشد بر متقربین به پدر وارد می‌شود.



ماده ۹۳۹- در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خنثی بوده و از جمله وراثی باشد که از ذکور آن ها دو برابر انات می‌برند سهم الارث او به طریق ذیل معین می‌شود:

اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود.
و اگر علائم انائیت غلبه داشته باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می‌برد.
و اگر هیچ یک از علائم، غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد.

مبحث چهارم - ارث زوج و زوجه

ماده ۹۴۰- زوجین که زوجیت آن ها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.

ماده ۹۴۱- سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر به طوری است که در مواد ۹۱۳-۹۲۷-۹۳۸ ذکر شده است.

ماد ۹۴۲- در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه، که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.

ماده ۹۴۳- اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آن‌ها که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد، لیکن اگر فوت یکی از آن‌ها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق باین باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند.

ماده ۹۴۴- اگر شوهر در حال مرض، زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می‌برد اگر چه طلاق باین باشد مشروط بر این که زن شوهر نکرده باشد.

ماده ۹۴۵- اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث می‌برد.



ماده ۹۴۶- زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه فقط از اموال ذیل:

(۱) از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

(۲) از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷- زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آن‌ها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت، تقویم می‌گردد.

ماده ۹۴۸- هرگاه در مورد ماده قبل، ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می‌تواند حق خود را از عین آن‌ها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹- در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد، لیکن زن فقط نصیب خود را؛ بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.



۴- نمونه‌ای از گواهی انحصار وراثت شورای حل اختلاف

مرجع رسیدگی حوزه شورای حل اختلاف شهرستان

متقاضی: آقای (فرزند متوفی)

خواسته: تقاضای صدور گواهی حصر وراثت

متقاضی آقای به شناسنامه شماره به استناد یک برگ استشهادیه و تصویر شناسنامه ورثه و گواهی فوت مرحوم به شناسنامه شماره توضیح داده که متوفی در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۳۰ در منزلش واقع در شهرستان که اقامتگاه دائمی‌اش بوده دارفانی را وداع نموده و خودش بعنوان فرزند ذکور متوفی و خانم بعنوان همسر متوفی و سایر فرزندان بنامهای ۱- متقاضی با مشخصات فوق ۲- (پسران متوفی) و خانمها بنامهای ۱- ۲- (دختران متوفی) همگی به شهرت..... جملگی وراثت منحصر در حین فوت متوفی می‌باشند که پس از انجام تشریفات قانونی و انتشار یک نوبت آگهی و انقضای مدت قانونی و عدم وصول اعتراض از ناحیه فرد یا افراد دیگر در موعد مقرر و ملاحظه گواهی نامه تسلیم اظهار نامه مالیات بر ارث به شماره پس از اخذ نظریه مشورتی اعضاء در اجرای بند ۳ ماده ۱۱ قانون شورا و مطابق مواد ۳۶۰ و ۳۶۲ قانون امور حسبی مآلاً شورا گواهی می‌دهد که ورثه متوفی منحصر به اشخاص مذکور بوده و وراثت دیگری ندارد و دارایی آن مرحوم پس از ادای حقوق و دیونی که بر ترکه تعلق می‌گیرد به ترتیب؛ «یک هشتم از اموال منقول و بهای ابنیه و اشجار سهم عیال دائم و مابقی متعلق به اولاد بصورت سهم پسر دو برابر دختر خواهد بود» تعیین می‌گردد، ارزش این گواهی از حیث مبلغ نامحدود است.

نام و امضاء قاضی شورا

منابع

- ۱- قانون مدنی
- ۲- قانون امور حسبی
- ۳- ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی
- ۴- حقوق مدنی، مصطفی عدل، به کوشش محمدرضا بندرچی
- ۵- جزوه درس امور حسبی، تقریرات استاد قاسم زاده از انتشارات اداره کل آموزش وزارت دادگستری
- ۶- جدول تنظیمی میزان سهم الارث صاحبان فروض و طبقات مختلفه وراثت تهیه و تنظیم، اصغر خمسه قاضی مشاور شوراها، حل اختلاف قزوین